

دلایل الزام دولت به ادامه طرح هدفمندی یارانه ها

محمد رضایی پور، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

ایران

تا قبل از اجرایی شدن فاز نخست هدفمندی یارانه ها در زمستان سال ۱۳۸۹، پرداخت یارانه های گسترده به انگیزه تثبیت سطح عمومی قیمت ها و حمایت از مصرف کننده، منجر به مالکیت توام با مدیریت همه جانبه دولت بر اقتصاد ایران شده بود. چنین محیطی از اقتصاد تقریباً مانع از شکل گیری فرایند توسعه اقتصادی مبتنی بر تولیدات بخش خصوصی کارا و چابک شده بود.

با وجود درک این مسئله توسط تمامی دولتمردان ایران از ابتدای انقلاب تاکنون، آنچه که مانع از سرو سامان دادن به نظام توزیع یارانه ها تاکنون شده بود، چگونگی اجرای صحیح آن با حداقل تبعات منفی بود چراکه به دلیل قدمت پرداخت یارانه و لحاظ شدن آن در سبد مصرفی خانوار ایرانی، حذف یکباره آن می توانست مشکلات زیادی را بر پیکره نظام اقتصادی و اجتماعی ایران وارد نماید.

دولت دهم با درک حساسیتهای مذکور در نهایت به طراحی و عملیاتی کردن پروژه هدفمند کردن یارانه ها پرداخت و اجرای فاز اول طرح مذکور در دی ماه ۱۳۸۹ با محوریت بازتوزیع عادلانه یارانه ها مابین مصرف کنندگان و حمایت از تولیدات داخلی کلید خورد.

نتایج حاصل از اجرای فاز اول طرح حاکی است که دولت در دستیابی به هدف بازتوزیع یارانه ها بین دهکهای مختلف درآمدی موفق عمل کرده است. در بخش حمایت از تولید نیز براساس مصوبات قانون هدفمندی یارانه ها، بسته های حمایتی و تشویقی متنوعی اجرا شده است. اما با وجود اجرای این بسته ها، ساختار تولیدی کشور دارای نقاط ضعفی است که درآمدهای ناشی از فاز اول هدفمندی یارانه ها قادر به اصلاح تمام این نقاط ضعف نبوده است.

متولیان اجرای طرح هدفمندی یارانه ها نیز از ابتدای اجرای طرح به این موضوع واقف بودند که درآمدهای حاصل از اجرای طرح در فاز اول، تمامی اهداف طرح درحوزه حمایت از ساختار تولید را پوشش نمی دهد، بدین لحاظ علی رغم تمام مخالف ها خواستار اجرای فاز دوم طرح می باشند. لذا اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها با محوریت حمایت از تولیدکنندگان داخلی به دو دلیلی که در ادامه تشریح می شوند ضروری و حیاتی بنظر می رسد.

۱. نگاه سیستمی به طرح هدفمند کردن یارانه ها و لزوم ادامه آن: کمیسیون های تخصصی-

کارگروه هدفمندی یارانه ها، از ابتدای مطرح شدن بحث هدفمندی یارانه ها در سال ۱۳۸۷، لزوم حصول اطمینان از تزریق یارانه های نقدی به گروه های هدف اعم از خانوارها و بنگاه های تولیدی را درک کرده بود. بدین لحاظ از ابتدای سال ۱۳۸۹ بسته های حمایتی مختلفی از سوی دستگاه های دولتی به تصویب رسید که از آن جمله می توان به بسته سیاستی مدیریت بازار و حمایت از اصناف تولیدی توسط وزارت بازرگانی سابق، بسته سیاستی صنعت و معدن توسط وزارت صنایع و معادن، بسته سیاستی کشاورزی توسط وزارت جهاد کشاورزی، بسته سیاستی حمل و نقل درون شهری و برون شهری توسط وزارت راه و ترابری، بسته سیاستی پولی توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و... اشاره کرد. بسته های مذکور بنحوی طراحی شده اند که بلحاظ سیستمی مکمل یکدیگر می باشند و اجرای مستمر آنها نیازمند تزریق منابع مالی متعددی است که طبق قانون هدفمندی یارانه ها از محل درآمدهای حاصل از حذف یارانه ها، تامین می شوند.

بدیهی است که توسعه و دوام بسته های حمایتی مذکور، بخصوص بسته های که به تقویت ساختار تولیدی منجر می شوند، نیاز به اجرایی شدن فاز بعدی طرح دارند. لذا تداوم وقفه

کنونی در اجرای طرح بطور حتم منجر به عدم تحقق اهداف اولیه طرح در بهبود ساختار تولیدی کشور می شود.

۲. تحریم ها و تغییر محیط اقتصاد ایران و لزوم حمایت از تولیدات داخلی: نگاهی بر حجم

واردات انواع کالاهای ضروری، واسطه ای و لوکس در چند دهه گذشته ثابت می نماید که ساختار تولیدی ضعیف کشور در کنار نرخ پائین ارزهای خارجی در ایران، واردات کالا از خارج به داخل را کاملا باصرفه کرده بود. اما افزایش نرخ ارزهای خارجی در چند ماه اخیر، بواسطه تغییر نسبت قیمتهای داخلی به خارجی منجر به تغییر در این الگو شده اند. بنحویکه در حال حاضر جهش نرخ ارز، واردات را گران و تقاضا برای کالاهای داخلی را بصره نموده است. این در حالی است که بنظر می رسد که با عدم اجرای فاز دوم هدفمندی و اخلاص در فرآیند حمایت از تولیدات داخلی شرایط دوباره به حالت قبل برمی گردد. چراکه ساختار تولیدی کشور تا کنون بحدی از ظرفیت تولید نرسیده که توانایی پوشش کمی و کیفی تقاضای داخلی را داشته باشد.